

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۱۹
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۱/۱۶

پانته آ حکیمیان^۱، آزاده لک^۲

واکاوی انسجام کالبدی بازار تاریخی شهر ایرانی، مطالعه تطبیقی بازارهای تاریخی کرمان و شیراز

چکیده

بازار تاریخی شهر ایرانی امروزه در تحولات کالبدی، اجتماعی و اقتصادی شهری مورد غفلت و آسیب قرار گرفته و نقش خود را به مثابه یک کلیت منسجم کالبدی-اجتماعی از دست داده است. از این رو پژوهش حاضر تلاش دارد تا انسجام کالبدی بازار را از طریق شناسایی ویژگی‌های کالبدی آن مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. روش پژوهش در گام اول مطالعه اسنادی متون نظری، تحلیل محتوای کیفی آنها و دستیابی به چارچوب مفهومی معطوف به انسجام کالبدی است. در گام دوم بر اساس آن، بررسی انسجام کالبدی دو بازار تاریخی کرمان و شیراز از طریق مطالعه و تحلیل نقشه‌ها، اسناد و مشاهدات میدانی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که انسجام کالبدی بازار تاریخی را می‌توان در سه مؤلفه ریخت‌شناختی، بصری-زیباشناختی و عملکردی تعریف کرد. بررسی انسجام کالبدی دو بازار کرمان و شیراز بیانگر این موضوع است که بازار کرمان در هر سه مؤلفه و زیرمؤلفه‌های آنها نسبت به بازار شیراز از وضعیت بهتری برخوردار است. به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که انسجام کالبدی ابعاد مختلفی دارد که حفظ و تقویت توأمان ویژگی‌های کالبدی دربرگیرنده مؤلفه‌های آن برای دستیابی به انسجام بازار تاریخی شهر ضروری می‌نماید. نتایج این پژوهش الزامات توجه به نقش این ساختار مهم در شهرهای ایران را برشمرده و قابل ترجمه به رهنمودهای طراحی در طرح‌های تجدید حیات بافت تاریخی است.

کلیدواژه‌ها: انسجام کالبدی، بازار تاریخی، شهر ایرانی، کرمان، شیراز.

^۱ استادیار طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: p_hakimian@sbu.ac.ir

^۲ استادیار طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، استان تهران، شهر تهران

E-mail: a_lak@sbu.ac.ir

^۳ این مقاله برگرفته از طرح‌های پژوهشی نگارندگان با عنوان‌های «چارچوب مستندسازی بازار تاریخی کرمان با تأکید بر اسناد موجود در مرکز اسناد دانشکده معماری و شهرسازی» و «چارچوب مستندسازی بازار تاریخی شیراز با تأکید بر اسناد موجود در مرکز اسناد دانشکده معماری و شهرسازی» است که در معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است.

مقدمه

بازارها به عنوان ساختارهای اصلی در شهر سنتی ایرانی، در طول تاریخ این مرز و بوم همچون موجودی زنده نقش بنیادین داشته‌اند؛ و به عنوان مرکز حیات اقتصادی شهر و مبادلات با شهرهای دیگر و راه‌های مهم بازرگانی (راه ادویه، راه ارتباطی جنوبی-شمالی کشور)، قلب زندگی اجتماعی-مذهبی شهر، کانون فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی و محل تجمع گروه‌های اجتماعی و فرهنگی و عنصر ارتباط‌دهنده و پیونددهنده بخش‌های مختلف شهر به یکدیگر شناخته شده‌اند (جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۸، ۱۷).

جهانبینی وحدت‌گرای اسلامی با تشبیه شهر به کالبد انسان، نقش بازار را در شکل‌گیری آن با تمثیل این‌گونه بیان می‌کند: «بازار نمادی از سر معنوی بدن است که در الگویی طبیعی، در جهت قلب نمادین بدن (مسجد جامع) رشد می‌کند و با پیشروی سرانجام به یکی از دروازه‌های شهر ختم می‌شود. با رشد بازار، شهر صاحب ستون فقراتی زنده می‌شود که مسیرهای عبور پیاده (کوچه‌ها) به مثابه دنده‌ها از آن به درون شهر حرکت کرده و در همجواری آن، اندام‌های زنده شهر همچون مسجد و مدرسه، کاروانسرا، آب‌انبار، چای‌خانه، حجره‌ها و دکان‌ها رشد می‌کنند (اردلان و بختیار، ۱۹۷۳، ۹۳).

اگرچه بازار به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد، ساختاری زنده با کلیتی واحد و پیوسته بوده، امروزه مورد غفلت و فراموشی قرار گرفته و کارکرد کالبدی و عملکردی خود را در ساختار فضایی شهر از دست داده است. لذا شناسایی و ادراک جوهر انسجام کالبدی آن برای رشته و حرفه طراحی و برنامه‌ریزی شهری ضروری می‌نماید. در این زمینه هدف پژوهش حاضر شناسایی ویژگی‌های کالبدی بازار و عناصر آن است که بر انسجام کالبدی بازار به مثابه یک کلیت تأثیرگذارند. این مهم از طریق شناسایی مؤلفه‌های انسجام کالبدی بافت شهری در متون نظری، تدوین چارچوب مفهومی و در نهایت بررسی انسجام کالبدی بازار تاریخی شهر ایرانی-اسلامی از طریق مطالعه مقایسه‌ای دو بازار کرمان و شیراز محقق می‌شود.

در این زمینه پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از: (۱) مؤلفه‌های انسجام کالبدی در متون نظری مرتبط با شهر و محیط شهری چیست؟ (۲) کدام ویژگی‌های کالبدی بازار موجب انسجام کالبدی آن شده است؟ جهت تعیین محدوده^۱ پژوهش ذکر دو نکته ضروری است. هدف این پژوهش بررسی انسجام کالبدی از طریق تحلیل محتوای متون نظری و کاربردی آن در تحلیل موردهای مطالعاتی است، لذا تحلیل انسجام کالبدی از طریق نظریه و تکنیک چیدمان فضا^۲ هدف این پژوهش نیست؛ موضوعی که به تفصیل مورد توجه پژوهشگران بوده است.^۳ به علاوه، به رغم جامعیت موضوع انسجام در ابعاد کالبدی، اجتماعی و اقتصادی محیط شهری، پژوهش حاضر به بررسی «انسجام کالبدی» می‌پردازد.

از جمله پژوهش‌های داخلی مرتبط می‌توان به تحقیقی درباره نقش وحدت‌بخش بازار در شهر تاریخی ایرانی اشاره کرد که آن را مدیون مراکز اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی درون بازار می‌داند (Pourjafar, et al., 2014). تحقیقی دیگر از دیدگاه ریخت‌شناسانه، بر نقش بنیادین بازار به مثابه ساختاری یکپارچه از منظر سه نظریه شکل-زمینه، ارتباط و مکان تأکید دارد (Lak & Hakimian, 2018). در مطالعه‌ای نیز یکپارچگی کالبدی به عنوان یکی از ابعاد سه‌گانه مدل پیشنهادی مکان در جهت ارزیابی کیفیت طراحی شهری در بافت‌های تاریخی معرفی شده است (شعله و همکاران، ۱۳۹۶).

مبانی نظری و چارچوب مفهومی

واژه «انسجام» به معنای «جزء چیزی شدن» و «کل (چیزی) را» معین کردن و به معنای ادغام شدن در یک کل و مشارکت در واحدی بزرگتر است. با استناد به آرای جامعه‌شناسان، انسجام، فرایند سازمان‌دهنده نظم فضایی است که واحدهای فضایی منفک را به یکدیگر مرتبط می‌سازد (چلبی، ۱۳۷۵، به نقل از تولایی، ۱۳۸۶).

الکساندر کلیت یا انسجام را وضعیت عینی از ترکیب‌بندی‌های فضایی تعریف می‌کند که به درجات بیشتر یا کمتری در هر بخش از فضا رخ می‌دهد و قابل اندازه‌گیری است. وی معتقد است که در یک شهر (خصوصاً شهر سنتی) جایی که هزاران تن در آفرینش آن مشارکت و همکاری دارند، دستیابی به این کلیت همواره هدف است (الکساندر و همکاران، ۱۳۷۳، ۲۱). تعریفی جامع از انسجام شهری، شکل شهر منسجم را مجموعه‌ای عناصر متنوع وابسته به هم در شهر می‌داند که در آن روابط متقابل یا مشارکت ضروری و همزمان میان اجزا به‌طور ذهنی و عینی با هدف ایجاد کل هدفمند، یکپارچه، خوانا و معنی‌دار صورت می‌گیرد (تولایی، ۱۳۸۶، ۱۷۷).

انسجام در شهر ایرانی-اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. از دیدگاه وحدت‌گرایی ایرانی-اسلامی، شهر دارای نظم هماهنگ یا بانواخت بوده و موجد شکل‌های هندسی است که در چارچوب یک هندسه فراآگاهانه در الگوهای طبیعی با یکدیگر پیوند یافته‌اند. ویژگی‌های این نظم عبارت‌اند از: کثرت عناصر هندسی، فضای مثبت، کاربرد هوشمندانه تقارن و نواخت (ریتم)، سلسله‌مراتبی از نظام‌های حرکتی، الگوی هم‌بندی فضاها به یکدیگر و یکپارچگی زمان و فضا (اردلان و بختیار، ۱۹۷۳، ۷۹). از دیدگاه توسلی بافت تاریخی شهرهای ایران اصولی ارزشمند را در باب مفهوم انسجام کالبدی و سازمان‌دهی در خود نهان دارد که عبارت‌اند از: هم‌پیوندی عناصر شهری و واحدهای مسکونی به مثابه یک مجموعه یکپارچه، محصور کردن فضا توسط بدنه ساختمان‌ها یا طاق‌نماها، سادگی در اجزا و کلیت توده و فضا، مقیاس انسانی و تناسبات مطلوب، رشته‌ای از فضاهای متباین و متنوع، قلمروی فضایی نیمه‌عمومی تا نیمه‌خصوصی، ترکیب فضا و بدنه محصورکننده آن در بافت شهری (توسلی، ۱۳۶۷).

اهمیت فضا و ساختار فضایی شهر به‌عنوان عنصر انسجام‌دهنده اولین بار توسط بیکن مورد تأکید قرار گرفت. وی برای حل مسئله شهرهای معاصر، طراحی ساختار اصلی فضایی شهر و ساختمان‌های اصلی متصل به آن را برای حصول به شهری منسجم پیشنهاد می‌دهد. این ساختار در گرو نظام‌های حرکتی همزمان سواره و پیاده است. ماهیت این نظام‌های حرکتی، مفاهیم سه‌گانه فضا به‌مثابه نیروی اصلی ارتباط با توده، تداوم تجربه‌ای پیوسته از آن و تداوم‌های همزمان (نظام‌های حرکتی مختلف مرتبط با یکدیگر) را دربرمی‌گیرد (بیکن، ۱۳۷۶، ۳۳-۳۴).

از دیدگاه ترانسیک، پنج اصل طراحی به‌مثابه مفاهیم کلیدی خلق فضای شهری منسجم عبارت‌اند از: پیوند از طریق کلتی از فضاهای متوالی، محصوریت جانبی و تداوم لبه‌های فضا و ایجاد وحدت در کاراکتر فضا، پُل‌سازی در جهت تداوم فضایی و پیوند بناها، ایجاد محور دید و پرسپکتیو برای سازمان‌دهی فضاهای منفصل و مجزا، امتزاج فضای خصوصی درون و فضای عمومی بیرون (Trancik, 1988, 220-225).

نظریه «کل رشدیابنده» کلیت را به مثابه مولد و موجد دائمی رشد می‌داند که هفت قانون واسطه به تحقق فرایند آن کمک می‌کنند: رشد تدریجی، رشد کل‌های بزرگ، ژرف‌نگری و دید، فضای شهری مثبت، چیدمان اجزای درونی ساختمان‌ها نیز از کلیت برخوردار باشد، یکپارچگی کلیت شهر با اجزای ساختمان و شکل‌گیری مراکز توسط هر کلیت (الکساندر و همکاران، ۱۳۷۳، ۳۰-۶۰). در نظریه «پیچیدگی و انسجام شهری»، کلیت‌های بزرگ مقیاس از کنار هم قرارگیری و ترکیب اجزای (مدول‌های) متعامل در مقیاس‌های مختلف فضایی شکل می‌گیرند که در سلسله‌مراتبی به ساختار طبیعی ماده می‌رسند. هشت قانون این نظریه عبارت‌اند از: پیوند اجزا برای تشکیل مدول، تنوع اجزا جهت پیوند محکم، مرزها/محل اتصال مدول‌ها با یکدیگر، تضعیف نیروها و تعاملات از مقیاس خرد به کلان، سازمان‌دهی از خرد به کلان، سلسله‌مراتب در اتصال، وابستگی درونی ۶ مقیاس بالاتر به مقیاس‌های خردتر، تجزیه یک نظام منسجم به مدول‌ها و نه اجزا (Salingeros, 2000).

«شهرسازی انسجام‌گرا» از نظریه‌های متأخر درباره انسجام‌گرایی شهر، پنج کیفیت را برای مناطق آستانه‌ای دنبال می‌کند. اختلاط^۷ کاربری‌ها و فعالیت‌ها، اتصال و پیوند افراد با کاربری‌ها و فعالیت‌ها، نفوذپذیری و تخلخل،^۸ اصالت^۹ و احترام به زمینه در عین توجه به نیازهای حال، آسیب‌پذیری و عدم کنترل (Ellin, 2006). در مطالعات اخیر «یکپارچگی» به‌مثابه یکی از کیفیت‌های طراحی شهری، از بعد بصری و براساس تداوم و تکامل در مقیاس، کاراکتر، چیدمان بناها، محوطه‌آرایی و جزئیات آن (مبلمان شهری و کفسازی) تعریف شده است (Ewing & Clemente, 2013, 16). همچنین برای بررسی انسجام فضاهای شهری، نه شاخص شامل تداوم، وابستگی، تخلخل، مرزها، سازماندهی، تجزیه عناصر، پیوند، تنوع و سلسله‌مراتب تدوین گردیده است (Roshani, et al., 2017).

چارچوب مفهومی پژوهش

با تحلیل محتوای کیفی متون نظری، مجموعه اصول مرتبط با انسجام کالبدی بافت شهری در قالب چارچوب مفهومی پژوهش استخراج شد. مقوله‌های اصلی، زیرمقوله‌ها و گزاره‌های مرتبط در جدول ۱ نمایش داده شده‌اند.

جدول ۱. مقوله‌ها، زیرمقوله‌ها و گزاره‌های استخراج شده از متون نظری

مقوله	زیرمقوله	گزاره‌ها (واحد ثبت)
انسجام ریخت‌شناختی	۱-۱- رابطه دو سویه جزء و کل	رابطه دو سویه جزء و کل، کثرت در وحدت، کثرت عناصر هندسی (هماهنگ).
	۱-۲- ارتباط و اتصال فضاهای شهری مثبت	برداشت مثبت و زنده‌وار از فضا، فضای شهری مثبت، محصوریت. توالی فضایی، الگوی هم‌بندی (اتصال-انتقال-وصول)، سلسله‌مراتب در اتصال.
	۱-۳- رشد تدریجی با سازماندهی خرد به کلان	تدریجی بودن، رشد از ابعاد کوچکتر تا کل بزرگتر، نظم/نواخت طبیعی. شکل‌گیری مقیاس‌های بزرگ‌تر براساس مقیاس‌های خردتر.
انسجام بصری-زیباشناختی	۱-۴- نفوذپذیری و تخلخل	نفوذپذیری در عین پیوستگی، برقراری تعاملات و حرکت افراد و کالا، دسترسی به درون بافت.
	۲-۱- ویژگی‌های بصری-ادراکی	معماری سنتی، ریتم، تقارن، مقیاس انسانی، تناسبات فضایی، محور دید/پرسپکتیو.
انسجام عملکردی	۲-۲- تنوع و تباین فضایی	تفاوت، تنوع، عدم یکنواختی فضایی، تفاوت در تناسبات، تنوع در جزئیات لبه‌ها.
	۳-۱- سلسله‌مراتبی از نظام‌های حرکتی	سلسله‌مراتبی از نظام حرکتی اولیه و ثانویه، نظم باترتیب، نظام‌های حرکتی هم‌زمان.
	۳-۲- توجه و احترام به زمینه	پاسخگویی فعال به شرایط اجتماعی و کالبدی، حفاظت، احترام به زمینه.
	۳-۳- اختلاط کاربری‌ها و/یا فعالیت‌ها	ترکیب کاربری‌ها، تنوع فعالیتی و جمعیتی، تراکم فعالیتی، آستانه‌ها، هم‌پیوندی مردم-مکان-فعالیت.

مقوله ۱: انسجام ریخت‌شناختی: با موضوع فرم یا ریخت بافت شهری مرتبط است و انسجام کالبدی را بر پایه ویژگی‌ها یا خصوصیات فرم بافت بیان می‌کند و زیرمقوله‌های آن عبارت‌اند از:

- رابطه دو سویه جزء و کل: همواره بین اجزای بافت تاریخی با کلیت آن هم‌پیوندی تنگاتنگی

- برقرار است. حضور کثیری از اجزاء، کلی با یک هویت را تشکیل می‌دهند که ترکیب و هماهنگی بین آنها به هویت معماری کل بافت می‌انجامد.
- **ارتباط و اتصال فضاهای شهری مثبت:** در مطالعات شهرسنتی، فضای شهری همواره فضایی مثبت است که توسط توده (بافت پُر) محصور شده است. وجود رشته‌ای از این فضاهای مثبت، موجب پیوستگی بافت شده و در عین حال توالی فضایی را ایجاد می‌کند که بر حرکت و گذار از یک فضا به دیگری تأکید دارد.
 - **رشد تدریجی از طریق سازماندهی خُرد به کلان:** رشد تدریجی بافت و مجموعه‌های شهری در فضا و زمان کافی پیش‌نیاز ضروری انسجام است. رشد عناصر کوچکتر، خالق کل‌های بزرگتر و شکل‌دهنده بافت شهری است.
 - **نفوذپذیری و تخلخل:** در عین پیوستگی و پیوند بین عناصر در بافت منسجم شهری، ویژگی تخلخل و نفوذپذیری نیز وجود دارد تا حرکت درون بافت و تعاملات بین افراد، افراد-مکان و فعالیت‌های مختلف برقرار شود.
- مقوله ۲: انسجام بصری-زیباشناختی:** با موضوعات بصری و کیفیت‌هایی نظیر تقارن، تناسب، ریتم، تباین و مقیاس انسانی مرتبط است.
- **ویژگی‌های بصری-ادراکی:** معماری سنتی از طریق فرم هندسی بناها و توده‌ها و با تکرار متقارن آنها خالق معماری پرتحرکی با ویژگی‌هایی نظیر ریتم و تقارن، مقیاس انسانی و تناسبات فضایی است که هنگام حرکت، کلیتی یکپارچه از بافت ایجاد می‌کند.
 - **تنوع و تباین فضایی:** دو خصوصیت عمده فضاهای متباین در بافت‌های تاریخی، پهن و باریک شدن فضا و سرباز و سرپوشیده بودن آن است که بر تنوع و عدم یکنواختی فضایی می‌افزاید.
- مقوله ۳: انسجام عملکردی:** بر مباحث نظام‌های حرکتی، اختلاط کاربری‌ها و حفاظت از زمینه توجه دارد.
- **سلسله‌مراتبی از نظام‌های حرکتی:** اتصال نظام حرکتی اولیه درون بازار به مثابه ستون فقرات اصلی، به نظام حرکتی ثانویه (مسیرهای منشعب از راسته بازارها) نظام باترتیبی را شکل می‌دهد که موجب انسجام بافت است. طبق نظریه‌های متأخر، همزمانی و هماهنگی نظام‌های حرکتی گوناگون (پیاده و سواره)، احساس تداوم را در کل بافت و بقای آن را از طریق اتصال به نظام‌های حرکتی بزرگتر موجب می‌شود.
 - **توجه و احترام به زمینه:** درحالی‌که بافت شهر از زمینه و بستر کالبدی، تجسم فیزیکی یافته، زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی همچون روحی در آن دمیده شده است. طبق نظریه‌های متأخر، احترام به زمینه‌های تاریخی، سنتی و هرآنچه از گذشته باعث اصالت بافت شده، در عین پاسخگویی فعال به شرایط اجتماعی-کالبدی حال، در انسجام بافت شهری تأثیرگذار است.
 - **اختلاط کاربری‌ها و / یا فعالیت‌ها:** این ویژگی به مفهوم پیوند مردم با فعالیت‌ها از طریق مکان‌های پرتراکم فعالیتی است که در تمامی مقیاس‌ها، کلان (شهر) تا خُرد (تک بنا) حضور دارد. ترکیب و اختلاط کاربری و فعالیت، موجب تراکم و تنوع جمعیتی، افزایش کیفیت فضای عمومی و پیوند آنها با یکدیگر می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی است که در دو بخش انجام می‌گیرد: گام اول مطالعه اسنادی است و از روش تحلیل محتوای کیفی برای دستیابی به یک چارچوب مفهومی معطوف به انسجام

کالبدی بافت شهری استفاده می‌شود. در گام دوم بررسی تطبیقی انسجام کالبدی دو بازار تاریخی کرمان و شیراز بر اساس چارچوب مفهومی به‌دست آمده و از طریق تحلیل نقشه‌ها و اسناد دو بازار انجام می‌گیرد. داده‌های این پژوهش شامل متون نظری مرتبط با انسجام کالبدی فضای شهری و بافت شهری (در بخش مبانی نظری) و اسناد مربوط به بازارهای کرمان و شیراز با تأکید بر اسناد موجود در مرکز اسناد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی و مشاهدات میدانی (در بخش پژوهش میدانی) است.

مطالعه اسنادی: با روش تحلیل محتوای کیفی متون و با هدف تدوین چارچوب مفهومی انجام شده است. گام‌های اصلی تحلیل محتوا در این پژوهش عبارت‌اند از: گردآوری و سازمان‌دهی داده‌ها، بررسی داده‌ها (استنباط و رمزگذاری) و تحلیل و پردازش نتایج (سرمد و همکاران، ۱۳۹۱). در گام اول، گردآوری و سازمان‌دهی داده‌ها، از طریق جستجو و انتخاب محتوای مرتبط با موضوع تحقیق انجام شد. ملاک‌های گردآوری اسناد، وجود کلمات کلیدی «انسجام»، «انسجام کالبدی»، «سازماندهی»، «وحدت»، «کلیت»، «پیوستگی»^{۱۱} در متون نظری مرتبط با فضا و بافت شهری بود. در گام دوم، متن از طریق شناسایی واحدهای تحلیل بررسی شد و از این طریق طبقه‌بندی عناصر متشکل متن بر اساس تمایزات و گروه‌بندی آنها بر اساس شباهت‌ها صورت گرفت. مقوله‌ها بر اساس هدف تحقیق تدوین و پردازش داده‌های کدگذاری شده از طریق تعریف هر مقوله، زیرمقوله‌ها و کدهای مرتبط با آن (جدول یک) انجام شد.

مطالعه مقایسه‌ای: انسجام کالبدی دو بازار تاریخی کرمان و شیراز از طریق بررسی اسناد، تصاویر و کتب تاریخی، طرح‌های توسعه مرتبط با محدوده‌های مطالعاتی، نقشه‌های به‌روزرشده دو بازار و مشاهدات میدانی در باب کیفیت‌های موجود و از بین رفته انسجام کالبدی بررسی شد.

معرفی موارد مطالعاتی

دو مورد مطالعاتی، بازارهای تاریخی شهرهای کرمان و شیراز هستند که به دلیل مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر انتخاب شده‌اند. از یک سو، هر دو بازار در اقلیم گرم و خشک ایران قرار گرفته‌اند و از جمله بازارهای مهم و پررونق در دوران مختلف تاریخی بوده‌اند. حضور عناصر متعددی نظیر سراها، کاروانسراها، مساجد، مدارس، حمام‌ها و آب‌انبارها در کنار راسته‌ها اهمیت آنها را دوچندان می‌کند. از سوی دیگر، درحالی‌که هر دو بازار دوران اوج و رونق و افول و رکود را تجربه کردند، با ورود اتومبیل و کم‌اهمیت شدن بافت تاریخی از گزند آسیب‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی توسعه‌های شهری درامان نماندند و اکنون هریک در وضعیت متفاوتی به سر می‌برند.

بازار کرمان

بازار کرمان با فرم صلیبی شکل خود نقش ستون فقرات شهر قدیم را ایفا می‌کرده که در دو راستای شمالی-جنوبی و شرقی-غربی از چهار جهت به راه‌های عمده تجاری داخل و خارج شهر متصل بوده و فعالیت‌های وسیع تجاری در سطح منطقه داشته است (پوراحمد، ۱۳۶۸). راسته بازار شرقی-غربی در حدود سه کیلومتر کشیده شده و در دو سوی آن دو دروازه ورودی و خروجی شهر یعنی دروازه ارگ (در غرب) و دروازه مسجد (در شرق) قرار داشتند. قدیمی‌ترین قسمت بازار از مقابل مسجد جامع (در انتهای شرقی) شروع می‌شود که در حال حاضر روباز و به بازار مظفری مشهور است. راسته بازار شمالی-جنوبی با طول حدودی ۱۵۰۰ متر، بخش دوم بازار کرمان به شمار می‌آید که در حال حاضر از بازار حاج آقاعلی در شمال آغاز و به بازار قلعه محمود در جنوب ختم می‌شود و نسبت به بازار شرقی-غربی از رونق کمتری برخوردار است (پوراحمد، ۱۳۶۸). شکل ۱ راسته‌های اصلی بازار کرمان و موقعیت آن در بافت تاریخی را نشان می‌دهد.



شکل ۱. نقشه بازار کرمان و موقعیت آن در بافت تاریخی

منبع: نگارندگان با استفاده از نقشه به روزرسانی شده مرکز اسناد و گوگل ارث

از مهم ترین عناصر و مجموعه های بازار کرمان می توان مسجد جامع مظفری، مجموعه گنجعلی خان، مجموعه ابراهیم خان، مجموعه وکیل و مجموعه حاج آقاعلی را نام برد (باستانی پاریزی، ۱۳۶۷).

بازار شیراز

بازار تاریخی شیراز دارای راسته اصلی شمالی-جنوبی است که هسته اولیه آن در بخش جنوبی، دو راسته بازار موازی یکدیگرند که مجموعه مسجد جامع و مسجد نو و امامزاده شاه چراغ را به راسته اصلی پیوند می دهند و به تدریج با رشد بازار به سمت شمال (دروازه اصفهان) از دوران صفویه به بعد، به شکل یک راسته اصلی رشد یافت (شکل ۲). در دوره زندیه بازار وکیل همچون ستون فقرات شهر عناصر عمده شهری را به هم متصل می کرد. مجموعه جدید الاحداث زندیه در این دوره شامل ارگ حکومتی، مسجد (مسجد وکیل)، بازار (بازار وکیل)، حمام و آب انبار بوده که توسط راسته بازار به مجموعه قبلی متصل شد. در دوره قاجار بازار میرزا یوسفی (بازار نو) در ادامه بازار وکیل، به طرف دروازه اصفهان، احداث شد (حمیدی و همکاران، ۱۳۷۶، ۹۹).



شکل ۲. نقشه بازار شیراز و موقعیت آن در بافت تاریخی،

منبع: نگارندگان با استفاده از نقشه به روزرسانی شده مرکز اسناد و گوگل ارث

در دوره پهلوی با احداث خیابان‌های جدید بر روی گذرهای تاریخی، خیابان کریمخان زند در قسمت بازار نو و خیابان لطفعلی‌خان زند در قدیمی‌ترین بخش، بازار در دو قسمت گسسته شد (افسر، ۱۳۵۳). در دوره معاصر درحالی‌که بافت بازار و اطراف آن فرسوده و متروکه شد، از حدود یکی دهه پیش، توسعه‌های جدید در قالب چند طرح توسعه حرم امامزاده شاه‌چراغ بخش‌های جنوبی بازار را تحت تأثیر قرار داده است (بنیاد مسکن، ۱۳۹۲، ۲).

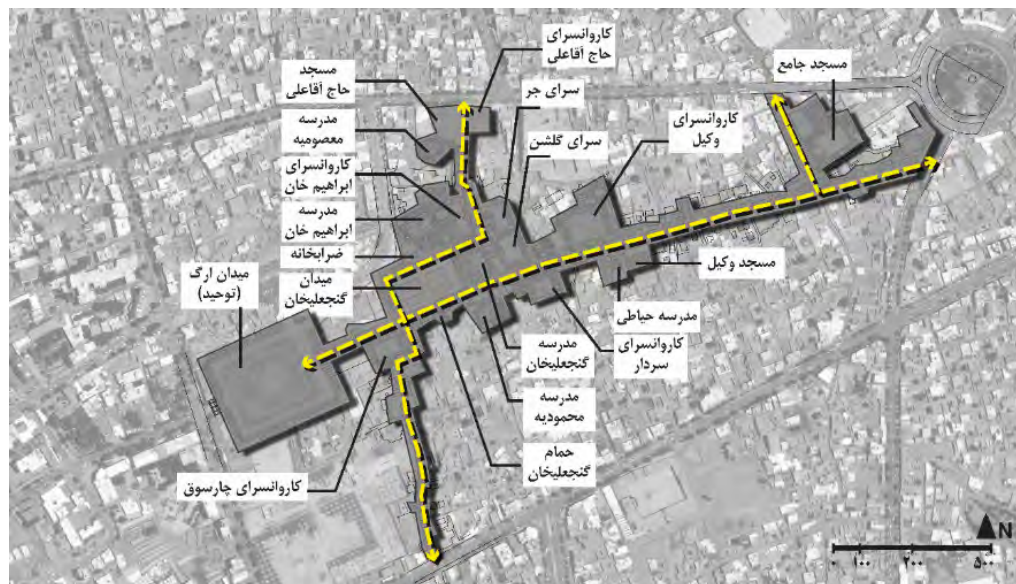
یافته‌های پژوهش

جهت بررسی مؤلفه‌های سه‌گانه انسجام کالبدی و زیرمؤلفه‌های آن در بازار شیراز و کرمان، تهیه نقشه‌های ۱:۲ هریک از دو بازار با استفاده از نقشه‌های روزآمد و اصلاح شده، تصاویر هوایی، کروکی‌ها، تصاویر عناصر مهم و کلیدی بازار و مشاهدات میدانی صورت گرفته است.

مؤلفه ریخت‌شناختی انسجام کالبدی

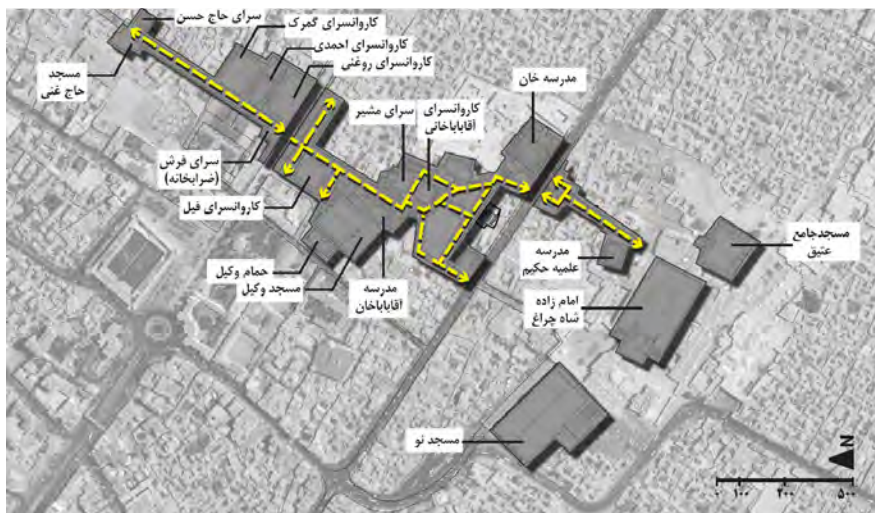
– رابطه دو سویه جزء و کل

بازار به مثابه کلیتی یکپارچه، متشکل از عناصری است که از یک سو هریک استقلال جداگانه‌ای داشته و از تنوع هندسی و کارکردی برخوردارند؛ و از سویی دیگر قواعد مشترک در هر دو (بازار و عناصر آن) نظیر فناوری و مصالح بومی یکسان و درون‌گرایی، این رابطه را به‌گونه‌ای تعریف می‌کند که کل بدون عناصر معنایی ندارد و عناصر نیز بدون قرارگیری در کل، معنا و کارکرد اصلی خود را از دست می‌دهند. در بازار کرمان مجموعه‌های باشکوهی در کنار دو راسته اصلی بازار شکل گرفته‌اند که هر یک شامل اجزایی نظیر سرا، کاروانسرا، تیمچه، حمام، مسجد و مدرسه هستند (شکل ۳). این مجموعه‌ها عبارت‌اند از: مجموعه گنجعلی‌خان (میدان، کاروانسرا و حمام)، مجموعه ابراهیم‌خان (کاروانسرا و مدرسه)، مجموعه حاج‌آقاعلی (کاروانسرا، مسجد)، مجموعه وکیل (حمام، مسجد و کاروانسرا)، مجموعه ارگ (میدان و بازار اطراف آن). در بازار کرمان ارتباط دو سویه بازار به مثابه کل و عناصر فوق‌الذکر به مثابه عناصر تشکیل دهنده آن همچنان حفظ شده است.



شکل ۳. عناصر اصلی بازار کرمان

در بازار شیراز تعدد و تنوع عناصر تشکیل دهنده کل، کمتر است. مجموعه «مسجد جامع عتیق، امامزاده شاه چراغ و مسجد نو» در بخش جنوبی بازار، مجموعه «مدرسه خان، سرای مشیر، کاروانسرای باباخانی» به همراه مجموعه وکیل (مسجد، حمام و مدرسه) در بخش میانی بازار و مجموعه‌ای از چند کاروانسرا در بخش شمالی بازار قرار دارند (شکل ۴). چند تکه شدن عملکردی و کالبدی بازار سبب شده تا ارتباط عناصر با کلیت بازار خصوصاً در بخش جنوبی از بین برود و تنها در بخش میانی و تا حدودی در بخش شمالی، ارتباط دو سویه عناصر با کل حفظ شود.



شکل ۴. عناصر اصلی بازار شیراز

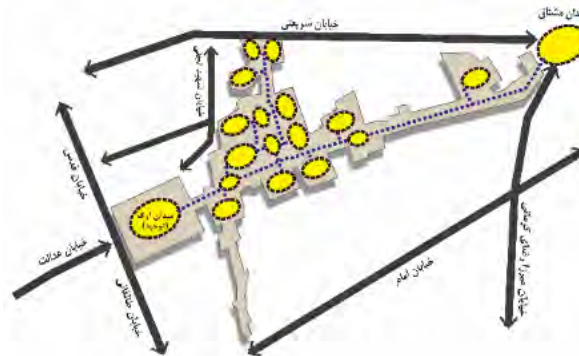
– ارتباط و اتصال فضاهای شهری مثبت

بررسی نقشه‌های به‌روزشده بازار کرمان نشان می‌دهد که همچنان در این بازار فضا به مثابه جوهر کل، یک فضای مثبت تلقی می‌شود؛ فضایی که با بدنه و لبه حجره‌های بازار (در میدان ارگ و گنجعلی‌خان) ایجاد شده است. حیاط کاروانسراها، سراها و صحن مساجد نیز که همگی توسط توده احاطه شده‌اند، فضاهای شهری مثبتی را شکل می‌دهند (شکل ۵). اما در بافت اطراف متروک شدن و تخریب در برخی قسمت‌ها، فضاهای رها شده و بی‌شکلی پدید آورده که از کیفیت فضایی بازار کاسته است.



شکل ۵. فضاهای شهری مثبت در بازار کرمان

خیابان‌کشی‌های درون بافت تاریخی، آسیب‌اندکی به بافت بازار آورده و در نتیجه بازار و راسته‌های آن به مثابه زنجیری، مجموعه فضاهای مختلف در مقیاس‌های متفاوتی را به یکدیگر مرتبط و متصل نگه داشته است. ابتدا و انتهای این زنجیره را دو فضای باز در مقیاس شهر، میدان‌های ارگ (توحید) و مشتاق شکل داده‌اند که به عنوان فضای دعوت‌کننده، حدود بازار را به خوبی تعریف و تحدید می‌کنند (شکل ۶).

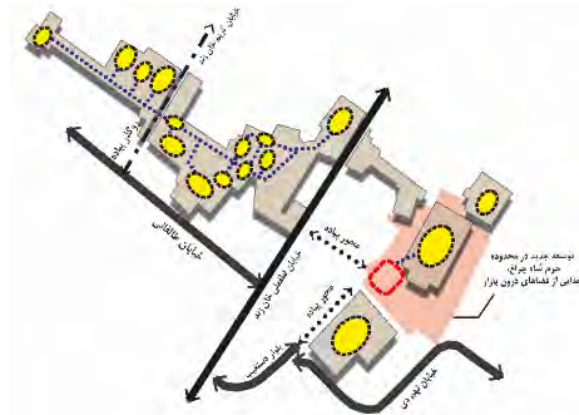


شکل ۶. دیاگرام ارتباط فضاهای بازار کرمان

در بازار شیراز خیابان‌کشی‌های دوره پهلوی، اولین ضربه را در جهت انفصال در ساختار کلی بازار و تبدیل آن به سه بخش مجزای جنوبی، میانی و شمالی وارد کرد، به گونه‌ای که بخش جنوبی و قدیمی‌تر بازار توسط خیابان‌های لطفعلی‌خان و احمدی از یکدیگر و بدنه اصلی بازار جدا شدند، یکی از دو شاخه موازی بازار از بین رفت و از رونق دیگری کاسته شد (افسر، ۱۳۵۳). اکنون طرح توسعه شاه‌چراغ منجر به یکپارچگی عناصر این بخش شده ولی همچنان ارتباط ضعیفی با بازار دارد. در بخش میانی بین دو خیابان لطفعلی‌خان و کریم‌خان، راسته بازار نقش پیونددهنده عناصر این بخش را ایفا می‌کند (شکل ۷). با تبدیل بخشی از خیابان کریم‌خان به روگذر پیاده، انقطاع در حرکت تا حدودی ترمیم شده ولی پیوستگی بصری و کارکردی همچنان وجود ندارد (شکل ۸).



شکل ۷. فضاهای شهری مثبت در بازار شیراز



شکل ۸. دیاگرام ارتباط فضاها در بازار شیراز

– رشد تدریجی با سازماندهی خرد به کلان

بررسی سیر تحول تاریخی بازار کرمان تا دوره معاصر رشد تدریجی از طریق سازماندهی خرد به کلان این کلیت را از طریق شکل‌گیری کل‌های کوچکتر (متشکل از اجزای مختلف مدرسه، مسجد، حمام و کاروانسرا) ولی با هدف شکل‌دهی به کل بزرگتر (بازار) نشان می‌دهد. شکل‌گیری راسته شرقی-غربی از طریق ایجاد مجموعه مظفری در شرق و پس از آن مجموعه گنجعلی‌خان در محل تقاطع با راسته شمالی بوده است. حضور این دو قطب به سازماندهی بازار اختیاری و مجموعه وکیل در راسته شرقی-غربی کمک کرده است. همچنین شکل‌گیری مجموعه‌های ابراهیم‌خان و حاج آقاعلی در راسته شمالی-جنوبی باعث شده تا حدودی اهمیت این راسته نیز حفظ شود (لک و حکیمیان، ۱۳۹۶).

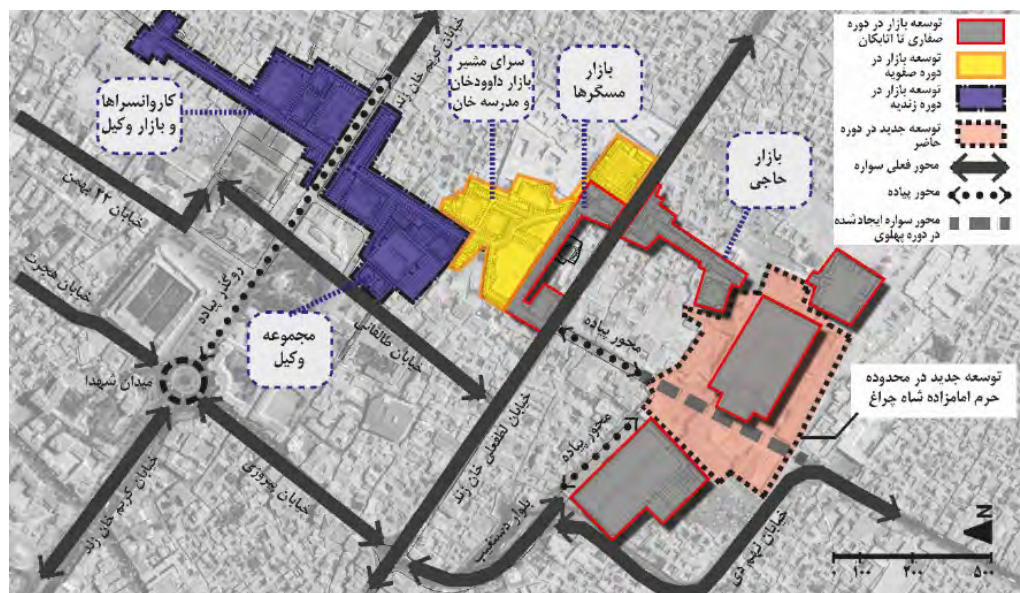
خیابان‌کشی‌های دوره پهلوی بخشی از بافت راسته شمالی-جنوبی، هم در شمال (بازار عزیز) و هم در جنوب (بازار ریگ) را از بقیه بازار جدا کرده است (مرکز اسناد، ۱۳۷۸) ولی مابقی بازار به کلیت خود باقی مانده است (شکل ۹). مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که به‌تازگی بخش‌های تخریب شده و متروک، نظیر مجموعه ارزشمند ابراهیم‌خان و بازار قلعه محمود، مرمت و بازگشایی شده‌اند.



شکل ۹. نقشه سیر تحول و تغییر بازار کرمان

موقعیت جغرافیایی و اقتصادی شهر شیراز و ارتباط با مسیرهای بازرگانی (جاده ابریشم و قرارگرفتن بر سر راه خلیج فارس به اصفهان و ری)، از دلایل شکل‌گیری و رشد جنوب به شمال بازار شیراز است. نتایج تحلیل اسناد و نقشه‌ها نشان می‌دهد که در دوره آل‌بویه و اتابکان، بازار به صورت دو محور موازی با یکدیگر رشد کرده، ولی در دوره‌های بعد، این دو محور به یک راسته اصلی تبدیل و تا دروازه اصفهان امتداد یافت (حمیدی و همکاران، ۱۳۷۶). خیابان‌کشی‌های دوره پهلوی، رشد تدریجی و تکامل‌گرای بازار را مختل و آن را به سه بخش تقسیم کرد. شبکه سواره اطراف بازار، نقش آن را به مثابه نظام اصلی حرکتی و ستون فقرات محدود شده و سبب شده تا قرارگیری عناصر خرد و کلان سازماندهی منظمی نداشته باشد (مرکز اسناد، ۱۳۸۰).

در دوره معاصر نیز عدم توجه به بافت اطراف بازار موجب تخریب بخش‌هایی شد و طرح‌های توسعه شهری در آن محدوده به تخریب و انفصال عناصر مختلف بازار و از بین رفتن کلیت آن دامن زد. در حال حاضر طرح توسعه شاه‌چراغ در بخش جنوبی، محورهای پیاده‌ای را به بافت اطراف افزوده ولی همچنان انسجام آن با بازار دیده نشده است (مهندسان مشاور پردازاز، ۱۳۸۸). به موجب این توسعه کل بزرگتری شکل گرفته است که اجزای درون آن نه تنها با یکدیگر و بلکه با بازار نیز مرتبط نبوده و سلسله‌مراتب سازماندهی از خرد به کلان در این بخش از بین رفته است (شکل ۱۰).



شکل ۱۰. نقشه سیر تحول و تغییر بازار شیراز

– نفوذپذیری و تخلخل

دسترسی به بازار کرمان از طریق خیابان‌هایی که از چهار طرف آن را احاطه کرده‌اند، دو میدان مشتاق و ارگ (توحید) که در ابتدا و انتهای آن هستند و همچنین از طریق راه‌های فرعی درون بافت (منشعب‌شده از خیابان‌های اصلی اطراف) انجام می‌گیرد و به عبارتی جریان حرکت افراد از بیرون به درون آن و حرکت کالا از درون بازار به محورهای اصلی شهر و بالعکس، بدون آنکه انسجام و پیوستگی کلیت بازار را مخدوش کند، در جریان است (شکل ۱۷).

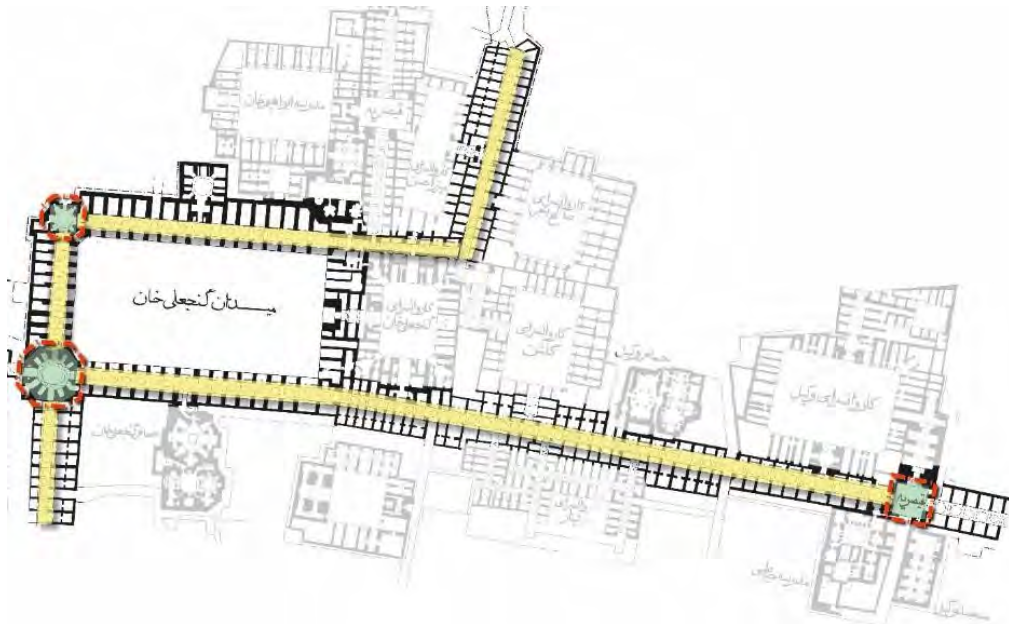
تحلیل نقشه‌های تاریخی و وضع موجود بازار شیراز و همچنین مشاهدات میدانی از این محدوده نشان

می‌دهد که تا قبل از دوره پهلوی شبکه‌ای از مسیرهای پیاده درون بازار و اطراف آن، نفوذپذیری کلیت منسجم بازار با بافت اطراف آن را فراهم می‌کرده است (Lak & Hakimian, 2018) تا اینکه این نظام با خیابان‌کشی‌های دوره پهلوی، برهم خورد و بافت بازار در چند قسمت منقطع شد و یا از بین رفت. در دهه اخیر نیز در طرح توسعه شاه‌چراغ مساحت زیادی از بافت، بدون در نظر گرفتن دسترسی‌های پیاده به بازار، در دست توسعه بزرگ مقیاس قرار گرفت، ریزدانگی و نفوذپذیری بافت کاهش یافت و ورودی اصلی بازار از سمت جنوب از بین رفت، به طوری که دسترسی اصلی به بازار حاجی از خیابان لطفعلی‌خان انجام می‌گیرد (شکل ۱۸).

مؤلفه بصری - زیباشناختی

- ویژگی‌های بصری

مجموعه‌ای از ویژگی‌های بصری - ادراکی نظیر تقارن و ریتم، مقیاس انسانی و تناسبات، درون راسته‌ها و فضاهای مختلف بازار، پیوستگی و وحدت بین آنها را افزایش می‌دهد؛ همچنین ادراک از بازار به مثابه یک کلیت را تسهیل کرده و موجب خوانایی مسیرهای اصلی آن می‌شود. در بازار کرمان ریتم در راسته‌های طولانی شرقی - غربی و شمالی - جنوبی، با حضور چارسوق‌ها، ضرباهنگ متفاوتی پیدا کرده است و تنوع ایجاد می‌کند. ریتم بازار در عناصر متصل به راسته بازارها نیز وجود دارد. به عنوان مثال راسته بازار در کنار میدان گنجعلی‌خان، با حرکت به دور میدان، همان نواخت را القا می‌کند. این هماهنگی و پیوستگی در ریتم هنگام حرکت درون فضاهای مختلف بازار حاصل وجود ریتم هم در پلان و هم در نمای راسته بازارها و عناصر متصل به آن است (شکل‌های ۱۱ تا ۱۳).



شکل ۱۱. ریتم در راسته بازارهای اصلی، بازار کرمان

منبع: مرکز اسناد



شکل ۱۴. ریتم در بازار شیراز،
مجاور کاروانسرای گمرک
منبع: مرکز اسناد



شکل ۱۳. تنوع ضرباهنگ ریتم
در چارسوق‌های درون راسته اصلی
بازار کرمان

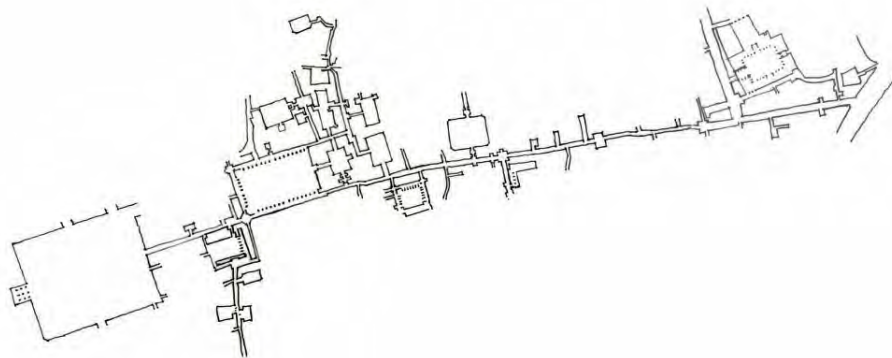


شکل ۱۲. ریتم در راسته بازار
مجاور میدان گنجعلی خان کرمان
منبع: [Wikipedia, https://en.wikipedia.org/wiki/](https://en.wikipedia.org/wiki/File:Ganjali_Khan_Bazaar.jpg)
File:Ganjali_Khan_Bazaar.jpg

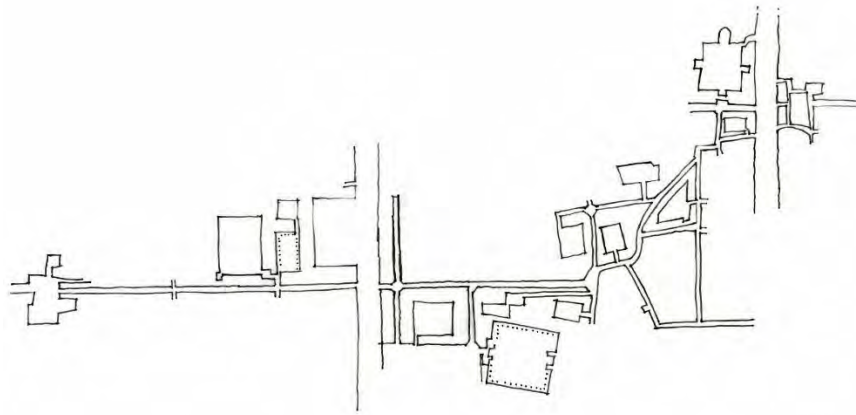
اگرچه بخش‌هایی از بازار شیراز با عبور محورهای سواره از بین رفته است، ولی بخش‌های باقیمانده ریتم و نواختی زیبا و ماندگار در ذهن بیننده می‌گذارند. در شکل ۱۴ بخشی از بازار مجاور کاروانسرای گمرک به همراه ویژگی‌های بصری-ادراکی مذکور نمایان است.

- تنوع و تباین فضایی

تحلیل نقشه فضاهای بازار کرمان نمایانگر وجود زنجیره‌ای از فضاهای باز سرپوشیده و روباز، با تناسبات و محصوریت‌های فضایی متفاوت، متشکل از راسته بازارها، حیاط کاروانسراها و مدارس، چارسوق‌ها، صحن مساجد و میدان‌هایی است که موجب تنوع و تباین فضایی در ساختار بازار می‌شود (شکل ۱۵).



شکل ۱۵. وجود تباین فضایی در بازار کرمان



شکل ۱۶. نبود تباین فضایی در بازار شیراز

این ویژگی در بازار شیراز کم‌رنگ‌تر و تنها در بخش میانی بازار که پیوستگی بین عناصر و راسته اصلی از بین نرفته، قابل ادراک است. در بخش جنوبی بازار به دلیل تحولات بنیادی در ساختار بازار، پیوستگی فضاها از بین رفته و تباین فضایی وجود ندارد. در بخش شمالی بازار هم به دلیل جدایی از بخش میانی در محل عبور خیابان کریم‌خان، تنوع و تباین فضایی وجود ندارد (شکل ۱۶).

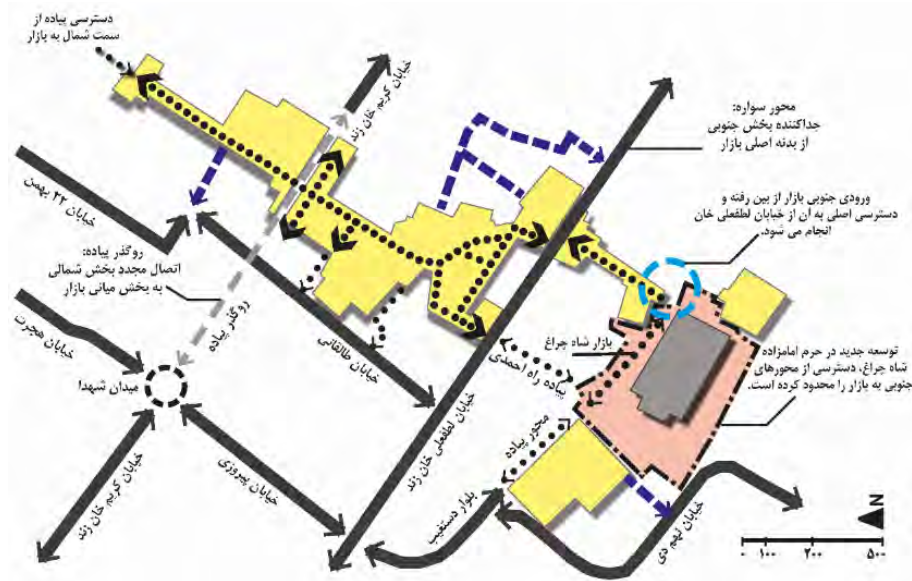
مؤلفه عملکردی

- سلسله‌مراتبی از نظام‌های حرکتی

محورهای اصلی و فرعی سواره اطراف بازار کرمان سلسله‌مراتبی از نظام حرکتی سواره را به وجود آورده است که با نظام حرکتی پیاده درون بازار تداخل نداشته و یک کلیت را تشکیل می‌دهد. ابتدا و انتهای بازار کرمان به میدان مشتاق در شرق و میدان توحید (ارگ) در غرب منتهی می‌شود که از این طریق با محورهای اصلی شهر ارتباط پیدا می‌کند (شکل ۱۷).



شکل ۱۷. بررسی نفوذپذیری و سلسله‌مراتب نظام حرکتی در محدوده بازار کرمان



شکل ۱۸. بررسی نفوذپذیری و سلسله مراتب نظام حرکتی در محدوده بازار شیراز

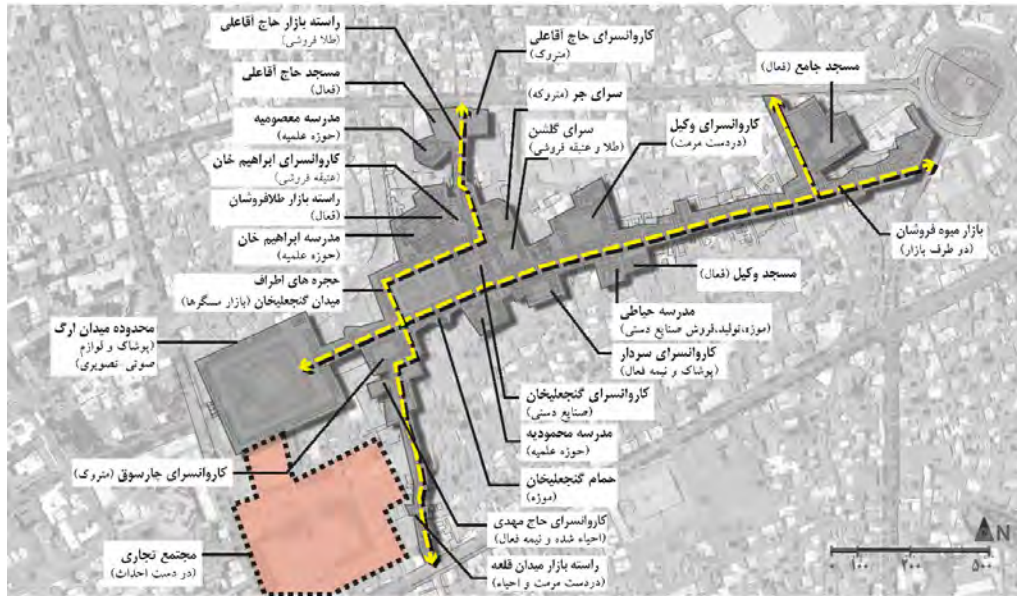
در بازار شیراز شبکه خیابان‌هایی که از میان راسته‌های اصلی بازار عبور کرده‌اند، در نظام پیاده درون بازار و نظام ادراکی آن اختلال ایجاد کرده‌اند و این مجموعه به صورت یک کل ادراک نمی‌شود؛ موضوعی که خود موجب کاهش خوانایی بازار شده است. بر اساس مشاهدات میدانی، تلاش‌هایی در جهت یکپارچه‌سازی مجدد نظام حرکتی پیاده در تبدیل بخشی از خیابان‌ها به پیاده‌راه (خیابان کریم‌خان، پیاده‌راه احمدی، ورودی از بازار حاجی) انجام شده است (شکل ۱۸).

- توجه به زمینه (اجتماعی و کالبدی)

تحلیل وضعیت بازار کرمان نشان می‌دهد که با وجود حفظ بخش اعظم بافت بازار تاکنون، تحولات در نظام‌های اقتصادی و توسعه شهر از نقش اقتصادی-اجتماعی-کالبدی آن کاسته است. برخی از بناها کاربری و نقش خود را از دست داده، متروک شده و در برخی موارد تخریب شده‌اند. اما نتایج مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که اخیراً تلاش‌های مطلوبی توسط بخش دولتی و خصوصی در راستای مرمت و احیای کالبدی بازار و در جهت انطباق با نیازهای جدید فراغتی و اجتماعی شهروندان انجام گرفته که از آن جمله می‌توان به مرمت بازار ابراهیم‌خان، مرمت و بازگشایی بخشی از بازار قلعه اشاره کرد. از دوره پهلوی با تکه‌تکه شدن بازار شیراز توسط خیابان‌کشی‌ها، تضعیف نقش اقتصادی-اجتماعی آن آغاز شد. غفلت از کالبد و سازوکار اقتصادی آن، در کنار بی‌توجهی طرح‌های توسعه و رشد مراکز خرید در دهه‌های اخیر بستر کالبدی و اجتماعی آن را تخریب کرد و بر کمرنگ شدن نقش و کارکرد آن افزود.

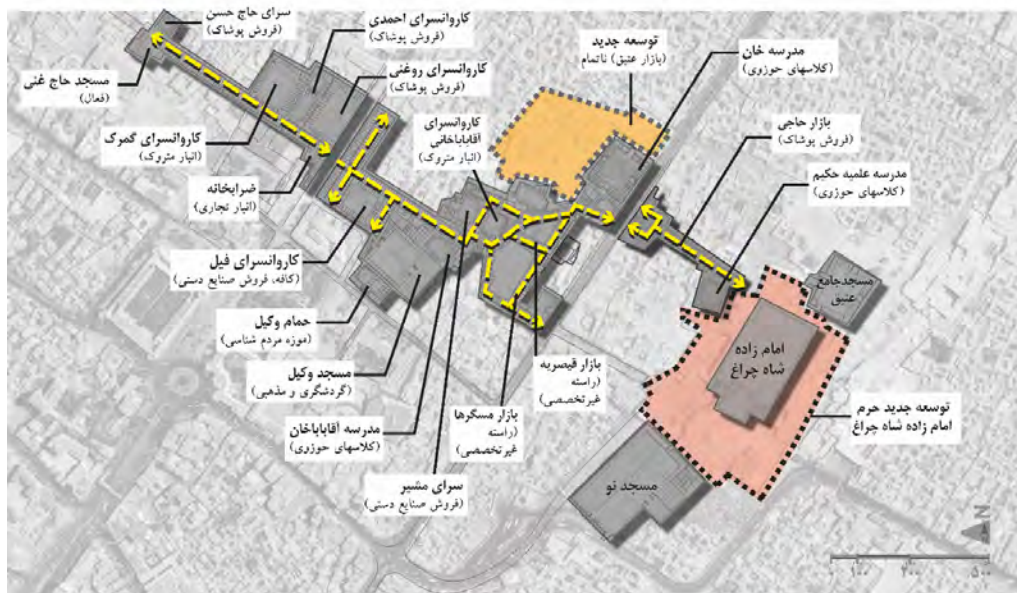
- ترکیب و اختلاط کاربری‌ها / فعالیت‌ها

نتیجه تحلیل نقشه‌ها، اسناد و برداشت‌های میدانی نشان می‌دهد که با کاهش نقش ساختاری-اقتصادی بازار کرمان، تنوع خدمات تجاری، فرهنگی و آموزشی آن کاهش یافته است، با وجود متروکه شدن برخی عناصر راسته شمالی-جنوبی (کاروانسرای حاج آقاعلی، سرای جر)، اقداماتی هم در جهت احیا و تزریق کاربری‌های جدید نظیر مدرسه حیاتی، کاروانسراهای وکیل و حاج مهدی و بازار قلعه در حال انجام است (شکل ۱۹).



شکل ۱۹. کاربری‌های موجود در بازار کرمان

نتیجه برداشت‌های اخیر از کاربری‌های درون بازار شیراز نشان می‌دهد که به‌طور کلی سراها، تیمچه و کاروانسراها اغلب به فروش صنایع دستی، فرش و انبار تجاری اختصاص دارد. در مواردی نظیر کاروانسرای گمرک و سرای آقاباباخان متروک و فاقد کاربری هستند. راسته‌های بازار عمدتاً کاربری‌هایی غیر تخصصی و مغایر با گذشته دارند، به‌طوری‌که در بازار مسگرها، اندک‌شماری مغازه مسگری فعال هستند. مسجد و حمام وکیل و سرای مشیر جزء فعال‌ترین عناصر بازار به‌شمار می‌روند (شکل ۲۰).



شکل ۲۰. کاربری‌های موجود در بازار شیراز

مقایسه نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها در بازارهای کرمان و شیراز تفاوت‌ها و تشابه‌هایی را در مؤلفه‌های انسجام کالبدی نمایان می‌سازد (جدول ۲).

جدول ۲. مقایسه دو بازار در مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های انسجام کالبدی

بازار شیراز	بازار کرمان	مورد مطالعاتی	
		انسجام کالبدی	مؤلفه
		زیرمؤلفه	مؤلفه
		رابطه دو سویه جزء و کل	مؤلفه ریخت‌شناختی
- کاهش ارتباط بین عناصر بازار و کلیت آن خصوصاً در بخش جنوبی.	- وجود ارتباط دو سویه بین بازار به مثابه کل و عناصر آن به مثابه جزء	ارتباط و اتصال فضاهای شهری مثبت	
- حضور خیابان به مثابه فضای شهری منفی و فاقد محصوریت و عامل انفصال فضاهای بازار از یکدیگر.	- حیاط کاروانسراها، میادین و صحن مساجد به مثابه مجموعه‌ای از فضاهای شهری مثبت؛ و راسته بازار به مثابه زنجیر نگه‌دارنده این فضاها.	رشد تدریجی یا سازماندهی خرد به کلان	
- محدود نامشخص کلیت بازار.	- مرز و حدود مشخص کلیت بازار.	نفوذپذیری و تخلخل	
- انقطاع در رشد تدریجی بازار، به دلیل خیابان‌کشی‌ها و طرح‌های توسعه شهری، برهم خوردن نظم سلسله‌مراتبی خرد به کلان در سازماندهی آن.	- رشد تدریجی و سلسله‌مراتبی بازار، عناصر و مجموعه‌های آن از خرد به کلان.	ویژگی‌های بصری- ادراکی	مؤلفه بصری-زیباشناختی
- تهدید سازماندهی بازار از سوی توسعه‌های بزرگ‌مقیاس اطراف.	- تخلخل در بازار و اطراف آن از طریق ارتباط مناسب سلسله‌مراتبی از محورهای سواره با مسیرهای پیاده و ورودی‌های بازار.	تنوع و تباین فضایی	
- کاهش نفوذپذیری یافت در محدوده بازار بر اثر توسعه‌های جدید بزرگ‌مقیاس و ناهمگون با ریزدانه‌گی یافت.	- پیوستگی حرکتی (سلسله‌مراتبی از نظام‌های پیاده تا سواره) درون بازار و اطراف و ادراک یکپارچه از آن.	سلسله‌مراتبی از نظام‌های حرکتی	مؤلفه عملکردی
- انفصال راسته‌های بازار، عامل کاهش تأثیر ویژگی‌های بصری در ادراک بازار به مثابه یک کلیت.	- کمرنگ‌شدن زمینه کالبدی-تاریخی بازار، مرمت و بازگشایی برخی بخش‌های فرسوده و متروک	توجه و احترام به زمینه	
- کاهش تنوع و تباین فضایی، به دلیل گسست زنجیره فضاها بر اثر انقطاع در راسته اصلی.	- تغییر کاربری‌های بازار، به دلیل تغییر نظام اقتصادی و از بین رفتن اصناف گذشته، تطابق نسبی با نیازهای گردشگری و فراغتی حال.	اختلاط کاربری‌ها و/یا فعالیت‌ها	
- انقطاع و اختلال در سلسله‌مراتب نظام‌های حرکتی درون بازار و اطراف آن.	- عدم تنوع کاربری‌ها و تقلیل آنها به کاربری‌های تجاری روزمره و کم‌اهمیت، یا انبار.		
- از بین رفتن نقش کلیدی اقتصادی-اجتماعی بازار	- تبدیل عناصر مهم بازار به بناهای موزه‌ای-فراغتی.		
- فرسودگی و تخریب برخی عناصر و بافت اطراف.	- تعارض بازار با مراکز تجاری اطراف		

نتیجه‌گیری

انسجام مفهومی چندبُعدی است، نتایج تحلیل محتوای کیفی متون نظری نشان می‌دهد که انسجام کالبدی را می‌توان در سه بُعد ریخت‌شناختی، شناسایی شکل (مورف) بافت با ویژگی‌هایی نظیر رابطه دو سویه جزء و کل، ارتباط و اتصال فضاهای شهری مثبت، رشد تدریجی با سازماندهی خرد به کلان، نفوذپذیری و تخلخل، بصری-زیباشناختی، توجه به موضوعات بصری و کیفیت‌هایی نظیر تقارن، ریتم، مقیاس انسانی و تباین فضایی و عملکردی، ترکیب و اختلاط کاربری‌ها و فعالیت‌ها، احترام به زمینه و نظام‌های حرکتی همزمان تعریف و تشریح کرد.

مقایسه دو مورد مطالعاتی در مؤلفه‌های مختلف انسجام کالبدی این نتایج را دربردارد:

در مؤلفه ریخت‌شناختی دو بازار با یکدیگر تفاوت اساسی دارند. در بازار کرمان، تغییرات و توسعه‌های جدید به درون بازار رسوخ نکرده است. با وجود خیابان‌کشی‌های بافت تاریخی، بخش اعظم بازار در امان مانده و در عین تخریب بخش‌هایی از عناصر بازار، همچنان پیوستگی بازار به مثابه یک کلیت منسجم

برقرار است؛ در مقابل در بازار شیراز به دلیل توسعه‌های کالبدی ناهمگون با بافت و تخریب راسته‌های اصلی بازار در خیابان‌کشی‌ها، انسجام ریخت‌شناختی از بین رفته است.

در مؤلفه بصری-زیباشناختی، وجود ویژگی‌های بصری-ادراکی در راسته‌های شمالی-جنوبی و شرقی-غربی بازار کرمان و عناصر مرتبط با آن، موجب ادراک بازار به مثابه یک کل و ایجاد تصویر ذهنی منسجم و پیوسته از آن در ذهن مخاطب می‌شود، در حالی که در بازار شیراز به دلیل تقطیع راسته اصلی، تخریب بخش جنوبی و توسعه ناهمگون شهری جدید، انسجام بصری-زیباشناختی کمرنگ شده است.

در مؤلفه عملکردی، سلسله‌مراتبی از نظام‌های حرکتی پیاده و سواره در درون و اطراف بازار کرمان وجود دارد، در حالی که در بازار شیراز با اولویت نظام حرکتی سواره، انسجام بازار کاهش یافته است. هر دو بازار، نقش عملکردی خود را به عنوان قلب اقتصادی-اجتماعی شهر ایرانی-اسلامی از دست داده‌اند. با این حال در کنار تحولات نظام توسعه کالبدی شهر (اولویت خیابان بر فضای شهری درون‌گرای بازار)، تغییر نظام حرکتی در بافت تاریخی (اولویت نظام سواره بر پیاده)، تحولات نظام اقتصادی (اولویت مراکز تجاری بر بازارها)، تلاش‌هایی هم در جهت مرمت بافت فرسوده، احیای کاربری‌های گذشته و تزریق فعالیت‌های جدید فراغتی انجام شده است.

از آنجاکه انسجام کالبدی ابعاد و مؤلفه‌های مختلفی دارد، توجه، حفظ و نگهداری و تقویت هر یک از مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها توأمان و همراه باهم لازم است. در سطحی بالاتر انسجام یک کلیت، فقط محیط کالبدی را دربر نمی‌گیرد. انسجام اجتماعی و اقتصادی نیز با انسجام کالبدی درهم‌تنیده‌اند، موضوعی بسیار وسیع و عمیق که فراتر از پژوهش حاضر است و می‌تواند در حوزه‌های جامعه‌شناسی و اقتصاد مورد بررسی قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

1. scope
2. space syntax

۳. به عنوان نمونه نک: Karimi, 2000.

4. deeply and see
5. coupling
6. interdependence
7. hybridity
8. porosity
9. authenticity
10. physical integration
11. coherence

۱۲. فرم کالبدی دو بازار از نوع بازارهای خطی بوده و کشیدگی راسته اصلی بازار کرمان، شرقی-غربی و بازار شیراز شمالی-جنوبی است. جهت کنارهم قرارگیری نقشه‌های دو بازار، چرخش ۹۰ درجه‌ای جهت شمال در نقشه‌های بازار شیراز اجتناب‌ناپذیر بود که تلاش شد این نقیصه با علائم گرافیکی مناسب مرتفع گردد.

فهرست منابع

- اردلان، نادر، و بختیار، لاله (۱۳۷۹). *حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی*. ترجمه حمید شاهرخ. اصفهان: نشر خاک.

- افسر، کرامت‌اله (۱۳۵۳). *تاریخ بافت قدیمی شیراز*. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- الکساندر، کریستوفر، آرتمیس آینو، و هاجونیس، کینگ، اینگرید (۱۳۷۳). *تئوری جدید طراحی شهری* (مترجم: شرکت مهندسين مشاور طاش). تهران: نشر توسعه.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۷). *گنجعلی‌خان*. تهران: نشر علم.
- بنیاد مسکن (۱۳۹۲). *خبرنامه (نشریه اطلاع‌رسانی بنیاد مسکن فارس): فاز نخست طرح توسعه حرم مطهر شاهچراغ (ع)*. دسترسی در تاریخ ۹۷/۴/۳۰. آدرس تارنما: <http://fars.bonyadmaskan.ir>.
- بیکن، ادموند (۱۳۷۶). *طراحی شهرها* (مترجم: فرزانه طاهری). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- پوراحمد، احمد (۱۳۶۸). *جغرافیا و ساخت شهر کرمان*. تهران: دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
- توسلی، محمود (۱۳۶۷). *اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- تولایی، نوین (۱۳۸۶). *شکل شهر منسجم*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جهاد دانشگاهی (۱۳۸۸). *بازار ایرانی: تجربه‌ای در مستندسازی بازارهای ایران*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی.
- حمیدی، ملیحه، سیروس صبری، رضا، حبیبی، محسن، و سلیمی، جواد (۱۳۷۶). *استخوان‌بندی شهر تهران*. تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران.
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس، و حجازی، الهه (۱۳۹۱). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: نشر آگه.
- شعله، مهسا، لطفی، سهند، و کیان، فریبا (۱۳۹۶). *کاربست روش سنجش «شاخص کیفیت طراحی مکان» در ارزیابی تطبیقی فضاهای تاریخی - فرهنگی. نامه معماری و شهرسازی، ۱۹، ۱۱۳-۱۳۲.*
- لک، آزاده، و حکیمیان، پانته‌آ (۱۳۹۶). *کنکاشی در ریخت‌شناسی بازار ایرانی با رویکرد نظریه‌های فضایی شهر موارد مطالعاتی: بازار شیراز و کرمان*. صفة، ۲۷(۱)، ۱۰۹-۱۳۴.
- مرکز اسناد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، اسناد پروژه‌های درس مرمت بافت، بازار کرمان و شیراز.
- مهندسان مشاور پردازاز (۱۳۸۸). *گزارش بازنگری طرح تفصیلی منطقه تاریخی و فرهنگی شهر شیراز*.
- Ellin, N. (2006). *Integral urbanism*. New York: Routledge.
- Ewing, R., & Clemente, O. (2013). *Measuring urban design: metrics for liveable places*. Washington, DC: Island Press.
- Karimi, K., (2000). Urban conservation and spatial transformation: Preserving the fragments or maintaining the spatial spirit. *Urban Design International*, 5, 221-231.
- Lak, A. & Hakimian, P. (2018). A new morphological approach to Iranian bazaar: the application of urban spatial design theories to Shiraz and Kerman bazaars. *Journal of Architectural Conservation*, 24(3), 207-223.
- Pourjafar, M., Amini, M., HatamiVarzaneh, E., & Mahdavejad, M. (2014). Role of bazaars as a unifying factor in traditional cities of Iran: the Isfahan bazaar. *Frontiers of Architectural Research*, 3(1), 10-19.
- Roshani, P., Habibi, K., Zarabadi, Z. (2017). Designing a Conceptual Pattern to Integrate Urban Spaces Network, *Armanshahr*, 10(20), 91-103.
- Salinger, N.A. (2000). Complexity and urban coherence. *Journal of Urban Design*, 3(3), 291-316.
- Trancik, R. (1986). *Finding lost space; Theories of urban design*. New York: Van Nostrand Reinhold Company.